به پیش!

تزهائی در باره روندها و رقابت‌های ژئوپلیتیک

پیشنهادات گروه کار روابط بین‌المللی به ارائه دهندگان برنامه دو ساله، کمیسیون منتخب کنگره و کنگره چهارم حزب چپ ایران

روابط بین المللی حزب چپ ایران

1. انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا در شکل دادن به رویدادها و روندهای جهانی در دو سال آتی نقش تعیین کننده ای خواهد داشت؛

2. این رویدادها و روندها نه زائیدۀ انتخاب ترامپ اند و نه با عمری 4 ساله، محدود به دوران ریاست جمهوری او. "ترامپیسم" محصول روندهای جدید و بطنی در عرصۀ جهان و امریکاست.

3. "ترامپیسم"، در تجلی کنونی و در شواهد بروزیافته اش، که گاه به خطا با فاشیسم یکی تلقی می شود، آمیزه ای ناساز و پر اصطکاک است از ناسیونالیسم جهانی گریز، "های‌تکنوکراسی" (Hitechnocracy)، نئو کنسرواتیسم و نئولیبرالیسم، با کردار پوپولیسم راست اقتدارگرا.

4. از همین رو ترامپیسم راقم یک دورۀ تاریخی نخواهد بود. ویژگی اقتدارگرا، تنشهای درونی و ناکامیهای اقتصادی آن موجب مقاومتهای سنگین در برابر آن خواهند بود.

5. در عرصۀ بین المللی: تحمیل زور در مناسبات بین المللی، زدودن همبستگی از این مناسبات به ویژه با کشورهای فقیر، اضمحلال اقتدارها و حقوق بین المللی و نشاندن مناسبات "دوجانبه" به جای آنها، ابتنای سیاست خارجی بر منافع حلقه های محدود قدرت زیر عنوان منفعت ملی، "جنایت علیه طبیعت"، معامله گری به هزینۀ کشورهای ضعیف تر و نابرابرحقوقی دولتها،

6. و در عرصۀ ملی: لغو خدمات و تأمین اجتماعی، تشدید شکاف فقر و ثروت جهات اصلی سیاست عملی ترامپیسم اند.

7. در آمیزۀ گفته شده، مشخصاً های‌تکنوکراسی مؤلفۀ آینده دار ترامپیسم است. منظور از های‌تکنوکراسی نظام سیاسی ای است که در تعیین مشی پایه ای آن متخصصان عالی، صاحبان و مدیران تکنولوژیهای پیشرفته همچون هوش مصنوعی و اتوماسیون، دارای نقش مسلط اند. های‌تکنوکراسی تجلی سیاسی غیردموکراتیک اقتصاد نوین است که در آن روندهای سامان اقتصادی به عوض اتکا به مشارکت عمومی، بر داده ها، الگوریتمها، و سرآمدان تکنولوژیهای عالی متکی است.

8. اتحادیۀ اروپا و چین آماجهای اصلی "ترامپیسم" اند: اتحادیۀ اروپا به عنوان یک رقیب و چین به عنوان یک دشمن بالقوه.

9. اتحادیۀ اروپا تا کنون مواجهۀ خود با ترامپیسم را، به عوض رودررویی با آن در "محل نزاع"، از مجرای جنگ اوکراین و مناسبات با روسیه پیش برده است. این اتحادیه، سوای صبغۀ نو استعماری آن، پروژه ای برای صلح عادلانه نیز بوده است که اکنون زیر عنوان پروژه ای برای دفاع می تواند از مسیر صلح عادلانه منحرف گردد و در نتیجه یا در برابر ترامپیسم زانو زند یا به مخاصمه با روسیه روی آورد.

10. "نه به ناتو، نه به اتحاد ضد روسیه، آری به اروپای امن و متکی به خود!"

11. چین با برخورداری از بسیاری امتیازات نسبت به اتحادیۀ اروپا، از جمله توان و تحرک اقتصادی و عضویت تعیین کننده در بریکس، قادر به ایفای نقش قابل توجهی در مهار ترامپیسم، تأمین تعادل و توازن در عرصۀ بین المللی و سامان امور از مجرای حقوق بین الملل است.

12. ما ناقد اقتدارگرائی مسلط بر نظام چین و در ارکان بریکس هستیم. تواماً از اقدامات آنها برای تقویت نهادهای بین المللی و تحقق تعادل و توازن در عرصۀ بین المللی حمایت می کنیم.

13. سوای این واقعیت که روسیه همسایۀ ماست، این کشور در خلال دو سال آینده، جز در موضوع اوکراین، در مرکز روندهای بین المللی قرار نخواهد گرفت.

آیندۀ اوکراین

- آیندۀ بلافصل اوکراین در دو "طرح" ترسیم شده است: 1- طرح "صلح" ترامپ، 2- طرح "صلح" اروپا. به نظر می رسد هر دو طرح مرزهای اوکراین را کمابیش روی خطوط کنونی جبهه های جنگ تعریف می کنند.
- طرح نخست در صدد تنش زدائی از مناسبات آمریکا با روسیه، با نگاه رقابتی به چین است: هم در مناسبات با روسیه و هم با کاپیتولاسیون اقتصادی در مناسبات با اوکراین.
- طرح دوم آبستن تنش بیشتر با روسیه و تسلط نظامی گری بر اتحادیۀ اروپاست.
- ما هیچ یک از دو طرح گفته شده را متضمن صلحی عادلانه، پایدار و جامع ارزیابی نمی کنیم، بلکه هر دو را به تفاریق عقبگردی در مناسبات بین المللی به قهقرای "تنازع بقا" می دانیم.
- ما بر این ارزیابی بوده ایم که جنگ اوکراین در نتیجۀ "گسترش ناتو به شرق" درگرفت، اما روسیه را آغازگر جنگ می دانیم؛ جنگی که امریکا، بریتانیا و بخش اعظم اتحادیۀ اروپا از آن استقبال کردند و به آن تداوم بخشیدند.
- یک صلح عادلانه و پایدار، مبتنی بر احترام به منشور سازمان ملل و پرهیز از زور برای تغییر مرزها، امنیت هر دو کشور - اوکراین و روسیه – را باید ملحوظ دارد.

- چاپ

Source URL: *https://bepish.org/node/12060*